



ارزیابی کیفیت نظام دانشگاهی متولی آموزشهای عالی حرفه ای و مهارتی در ایران

در راستای آموزشهای شغلی و رفع نیازهای بازار کار در کشور

دکتر محمد سلطانی فر^[1] (دانشیار تحصیلات تکمیلی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی)

Email: msoltanifar@yahoo.com

چکیده

با توجه به ساختار آموزشهای اشتغال محور در کشور و قلمرو تعریف شده برای آن در قوانین و مقررات مصوب موجود، نهاد آموزش عالی، به عنوان اولین و مهمترین نهاد عمده متعهد و مسئول نسبت به آموزشهای اشتغال محور در کشور شناخته می شود.

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به عنوان متولی آموزشهای "عالی" مهارتی به صورت دوره های آموزشی مقطع دار "رسمی" و آموزشهای تکمیلی بین سطوح تحصیلی به صورت "تک پودمان" و "تک درس" در سطوح آموزش "عالی" به توسعه آموزشهای رسمی و تکمیلی بین سطوح تحصیلی می پردازد که دانشگاه جامع علمی - کاربردی و دانشگاه فنی و حرفه ای در زیر مجموعه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به عنوان بازوی اجرایی این رکن تعریف شده است. این در حالیست که دو نهاد دیگر متولی این امر شامل وزارت آموزش و پرورش و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی می شوند. وزارت آموزش و پرورش متولی آموزشهای "رسمی" مهارتی کاردانش در سطح "متوسطه" و فنی و حرفه ای در سطح سه ساله اول "کاردانی پیوسته" بوده و در سطوح تعریف شده مدرک رسمی صادر می نماید. و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی برای پیاده سازی آموزشهای "تکمیلی بین سطوح تحصیلی" در قالب آموزشهای مهارتی کوتاه مدت در نهاد کارگری و کارفرمایی به ارائه این آموزشها اقدام می نماید. و سازمان آموزش فنی و حرفه ای به عنوان بازوی اجرایی آن مسئولیت توسعه و اجرای این شق از آموزشهای فنی و حرفه ای را به عهده دارد. مطابق قوانین و مقررات موجود کشور هریک از سه دستگاه اجرایی مذکور در "سطح" یا "قلمرو" تعریف شدهای از حوزههای شغلی با مأموریت مشخص و مدون بدنبال پیاده سازی اهداف آموزشهای شغلی می باشند. نگارنده مقاله پژوهشی حاضر، ضمن بررسی وضعیت کنونی آموزشهای عالی اشتغال محور در کشور، به بررسی کیفیت این نظام آموزش عالی در ساختار جدید آموزش کشور پرداخته و ضمن بیان مشکلات عمده حاکم بر نظام آموزش عالی مهارت و فن آوری کنونی کشور، به ترسیم وضعیت مطلوب می پردازد.

کلمات کلیدی

نظام آموزش عالی مهارت و فناوری، آموزش عالی اشتغال محور، ساختار جدید آموزش کشور، محیط کسب و کار



مقدمه

رقابت پذیری در اقتصاد جهانی به توانمندی‌های تکنولوژیکی و نوآوری وابسته است. این امر شامل توانایی توسعه محصولات جدید و دسترسی به بازارهای جدید، بکارگیری تکنولوژی جدید، اعمال بهترین الگوهای مدیریتی در بنگاهها و توسعه سطوح مهارتی در طیف وسیعی از نیروی کار می‌باشد. دانشگاهها قادرند در تمامی این موارد نقش مهمی ایفا نمایند. در نتیجه افزایش ظرفیت تحقیقات و تکنولوژی کشور برای تبدیل دستاوردهای علمی و یافته‌های فناورانه به موفقیت‌های صنعتی و تجاری و اشتغال زایی به نقش کارآفرینی دانشگاهها وابسته شده است. از آنجایی که آموزش عالی افراد را با مهارتهای تکنیکی و علمی مناسب تربیت و آماده میکند، یکی از عناصر کلیدی در پیوند بین دانش علمی و کاربردهای آن برای تحقق پیشرفتهای اقتصادی محسوب میشود. بنابراین دانشگاهها و مراکز آموزش عالی از دو طریق به گونهای کارآمد در بازسازی و توسعه موفقیت آمیز اقتصادی در بسیاری از جوامع توسعه یافته مشارکت می‌کنند [۲]:

۱ - تربیت نیروی انسانی با کیفیت از نظر علمی و فنی

پرورش نیروی انسانی متخصص، کارآمد و البته کارآفرین مورد نیاز جامعه، یکی از اهداف و وظایف مهم نظام آموزش عالی هر کشوری است. کارآفرینی عامل دگرگونی اجتماعی است و به ایجاد مشاغل تازه و بهره‌گیری مؤثر از نیروی انسانی و منابع طبیعی می‌انجامد. ره‌آورد این تلاشها، اشتغال و ثبات نیروهای فعال در جامعه، برآورده شدن نیازهای اساسی و بالارفتن سطح رفاه عمومی از راه پرداخت مالیات بر درآمد به دولت است، همچنین توزیع مناسب درآمدها در جامعه و کاهش نگرانیهای اجتماعی و گسترش عدالت اجتماعی را در پی دارد [۳] و به تجدید حیات ملی می‌انجامد. در رشد و توسعه ملی، کارآفرین با ایجاد زنجیره ارزش کارآفرینی، خود را به عنوان نیروی محرکه و موتور توسعه اقتصادی مطرح می‌کند. همانطور که از مفهوم تعاریف کارآفرینی می‌توان استنباط کرد، کارآفرین سه فعالیت اصلی را انجام می‌دهد:

۱- ایجاد کسب و کار

۲- نوآوری در محصول

۳- اشتغالزایی

همچنان که اقتصاد کشورها، قوانین و مقررات و نیازهای بازار کار، دگرگونی و تحول می‌یابند، نظامهای آموزش عالی نیز در تلاشند تغییراتی در برنامه‌های خود ایجاد کنند و با توسعه اقتصادی و بازار کار هماهنگ شوند، هدف از اجرای طرح کارآفرینی در دانشگاهها، پرورش دانشجویانی است که بتوانند پس از دانش‌آموختگی شغل تازه‌ای همراه با نوآوری و ابتکار ایجاد کنند.

از این رو امروزه آموزش کارآفرینی به یکی از مهمترین و گسترده‌ترین فعالیتهای دانشگاههای جهان تبدیل شده است. آنچه در این دوره‌ها بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، اهداف آموزشی، مناسب بودن محتوای دوره‌های آموزشی، کارآفرینانه بودن شیوه‌های تدریس، ایجاد و گسترش مفهوم و فرهنگ کارآفرینی در محیط دانشگاه، ایجاد تحرک برای توسعه اقتصادی، ترغیب دانشگاهها به برگزاری دوره‌ها و کارگاههای آموزش کارآفرینی، گسترش پژوهشها در خصوص کارآفرینی و کارآفرینان، حمایت‌های اطلاعاتی، مشاوره‌ای و مالی لازم به منظور راه‌اندازی فعالیتهای کارآفرینانه از سوی دانشجویان و دانش‌آموختگان، ترکیب اعضای برگزارکننده دوره‌ها و فعالیتهای آموزشی کارآفرینی، اثر بخشی دوره‌های کارآفرینی و تطبیق و هماهنگی دوره‌های آموزشی و موارد یاد شده با یکدیگر به منظور تربیت دانشجویان و دانش‌آموختگان کارآفرین است.

۲ - ایجاد محیط و شرایط تحقیق و توسعه که پیشرفت پایداری را در توسعه صنعتی امکانپذیر میسازد

ایفای مطلوب نقش اقتصادی دانشگاهها و مراکز آموزش عالی مستلزم داشتن اطلاع دقیق و بهنگام سیاستگذاران این نظام از نیازها و شرایط بنگاههای اقتصادی است که به شدت در حال تحول میباشد. بدیهی است که تحقق این امر به



تحکیم پیوندها و روابط بین دانشگاهها و مراکز صنعتی، تسهیل تبادل نظرها، تجارب و پیشنهادهای میان این دو طرف به منظور اصلاح مکانیزم آموزش و آماده سازی دانشجویان منجر میشود. مسلماً تحکیم هر چه بیشتر این ارتباطات چه از طریق بازنگری محتوای برنامههای درسی دانشگاهی و چه در قالب سازماندهی دوباره دفاتر ارتباط با صنعت یا با اتخاذ راهبردهای مناسب دیگر، مزایای بی شماری را برای دو طرف درگیر این فرایند در بر خواهد داشت. از جمله اینکه فارغ التحصیلان دانشگاهها و مراکز آموزش عالی از فرصتهای شغلی موجود بهتر و بیشتر استفاده میکنند و تحقق این امر به افزایش کارایی خارجی نظام آموزش عالی منجر میشود و بازده مثبتی را برای این سرمایهگذاری رقم میزند. دیگر اینکه مدیران صنایع فرصت مییابند تا به ترمیم و تامین نیروی انسانی مورد نیاز خود از میان فارغ التحصیلانی که بطور کامل از مهارتها و قابلیتهای قابل قبولی برخوردارند به دقت اهتمام ورزند.

بدیهی است که نتیجه این اقدامات در نزدیکی هر چه ملموستر دورهها و رشتههای دانشگاهی با فرصتهای اشتغال تجلی مییابد. از این رو بهبود رابطه دانشگاهها با صنایع، فرایندی دو سویه و مشروط و منوط به اتخاذ استراتژیهای مناسب در خصوص برقراری ارتباط سازنده از جانب هر دو طرف است.



تحلیل وضع موجود

ساختار جدید آموزش اشتغال و کارآفرینی کشور، پس از تصویب نظام آموزش مهارت و فناوری

محیط کسب و کار



- آموزش عالی رسمی نظری (مجری: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری)
- آموزش عالی رسمی مهارتی (مجری: مراکز دانشگاه جامع علمی - کاربردی)
- آموزش تکمیلی (غیر رسمی) عالی مهارتی (مجری: مراکز دانشگاه جامع و سازمان آموزش فنی و حرفه ای)
- آموزش تکمیلی (غیر رسمی) (مجری: سازمان آموزش فنی و حرفه ای)
- آموزش عمومی (رسمی) (مجری: وزارت آموزش و پرورش)

داوطلبان آزاد بزرگسال
(۱۵ سال و بزرگتر)
با مدرک ابتدایی



شکل ۲: وزارتخانه ها، شوراهای و سازمان های سیاست گذار در امر آموزش های شغلی (در یک نگاه)





سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای

مصوبه مورخ 1359/2/23 شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران
قلمرو: کلیه وزارتخانهها و دستگاههای دولتی، ارگانهای مجری، موسسات آموزش فنی و حرفه‌ای رسمی تا سطح فوق دیپلم دستگاههای آموزش، دستگاههای دولتی
برنامهها از حیث مدت عمل: کوتاهمدت و بلندمدت
براساس مصوبه اجلاس چهل و هفتم مورخ 1372/7/20 شورای عالی اداری شورای مذکور با شورای عالی آموزشهای علمی - کاربردی ادغام و شورای عالی آموزشهای کاربردی تشکیل شده است.

شورای عالی هماهنگی آموزش فنی و حرفه‌ای

ستاد هماهنگی آموزشهای فنی و حرفه‌ای

تشکیل ستاد هماهنگی آموزشهای فنی و حرفه‌ای مطابق ماده 151 قانون برنامه توسعه سوم کشور مصوب مجلس در سال 1379
ریاست آن با معاون اول ریاست جمهور و با عضویت وزرای علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت درمان و آموزش پزشکی، آموزش و پرورش، جهاد کشاورزی، کار و امور اجتماعی، رئیس سازمان برنامه و بودجه، مدیر کل سازمان اداری و استخدامی و رئیس مرکز امور مشارکت زنان
تنفیذ ماده 151 قانون برنامه سوم در قالب ماده 53 قانون چهارم در ارتباط با ستاد هماهنگی آموزشهای فنی و حرفه‌ای

دانشگاه فنی و حرفه‌ای

آموزشکده های فنی و حرفه ای تا قبل از تصویب قانون برنامه پنجم ارائه کننده دوره کردانی پیوسته در آموزش و پرورش بودند. این دوره از سال 1371 و پیش از تغییر نظام آموزشی از 5-3-4 به 5-3-1 و کاهش مدت زمان آموزش در شاخه فنی و حرفه ای ایجاد شد. در راستای ارتقای آموزش های فنی و حرفه ای دوره کردانی پیوسته پنج ساله طراحی شد که سه سال از آن در دبیرستان و دو سال آن در آموزشکده های فنی و حرفه ای ارائه می شد. از ویژگی های مهم این دوره پیوستگی دروس است.

در سال 1388 آموزش و پرورش با طرح مسئله عدم ارتباط دوره کردانی به آموزش و پرورش، در صدد جدا کردن آموزشکده ها از آموزش و پرورش و انتقال آن به وزارت علوم یا وزارت کار برآمد. از سوی دیگر به موازات این اقدام تشکیل سازمان ملی مهارت با هدف یکپارچه سازی آموزش های فنی و حرفه ای با ادغام دانشگاه جامع علمی- کاربردی و آموزشکده های فنی و حرفه ای و سازمان فنی و حرفه ای در شورای عالی اداری به تصویب رسید. مجلس برای مقابله با این اقدامات کارشناسی نشده طرح پذیرش دانشجو در آموزشکده های فنی و حرفه ای و عدم انتزاع آموزشکده ها از آموزش و پرورش تا تصویب ساختار نظام آموزشی و عدم انتزاع دانشگاه جامع علمی- کاربردی از وزارت علوم را تصویب کرد. اما علیرغم وجود این مصوبه ماده (23) قانون برنامه پنجم جدایی آموزشکده ها را با کلیه امکانات، اموال منقول و غیر منقول و نیروی

سازمان ملی مهارت و فناوری

بر اساس ماده 8 آیین نامه نظام آموزش مهارت و فناوری مصوب آبان ماه سال 1390 در هیأت وزیران این سازمان مسئولیت هدایت و اعتلای آموزش های مهارتی و استقرار نظام جامع مهارت و فناوری بر عهده دارد. اما این سازمان به دلیل مغایرت با قوانین موضوعه کشور و حجیم شدن دولت به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسیده است. و عملاً یکی از مواد مهم و ارکان آیین نامه آموزشی مهارت و فناوری و سازمان پیوند دهنده بین اطلاعات بازار و نظام صلاحیت حرفه ای با نظام آموزش ابتر باقی مانده است.

با توجه به سوابق موجود و موفقیت دوره زمانی شورای عالی آموزش های علمی- کاربردی و لزوم ساختاری برای هماهنگی در این آموزش ها پیشنهاد می شود ستادی با ویژگی های زیر برای این منظور تشکیل گردد که هم نقاط ضعف گذشته را پوشش دهد و هم از حجیم شدن و بزرگ شدن دولت جلوگیری نماید.



برنامه های اجرا شده در سطح کلان در راستای آموزشهای کاربردی از سال ۸۹ تا کنون

- تدوین و تصویب نظام آموزش مهارت و فناوری در هیات دولت
- تدوین و تصویب و استقرار نظام های آموزش عالی مهارت و فناوری شامل:
 - نظام های رسمی و مقطع دار: کاردانی فنی، کاردانی حرفه ای، کارشناسی حرفه ای؛ مهندسی فناوری، کارشناسی حرفه ای ارشد، مهندسی فناوری ارشد، دکتری فناوری، دکتری حرفه ای
 - نظام آموزش عالی تکمیلی بین سطوح تحصیلی: تک پودمان و تکدرس
 - تجمیع آموزش عالی تکمیلی بین سطوح تحصیلی (تبدیل دوره های غیررسمی به دوره رسمی و مقطع دار)
 - تدوین نظام نامه آموزشی محیط کار و مهارت های مشترک شغلی
- تدوین و تصویب نظام صلاحیت حرفه ای در هیات دولت
- تهیه پیش نویس ساز و کار عملیاتی نظام صلاحیت حرفه ای
- تهیه پیش نویس نظام احراز شرایط اشتغال

دانشگاه و آموزش عالی؛ اشتغال و پرورش کارآفرین در ایران

ظهور دانشگاه های کارآفرین، دانشگاه های فاصله گرفته از جامعه و صنعت را به دانشگاه هایی تبدیل کرده است که در ارتباط با صنعت و جامعه هستند. دانشگاه کارآفرین، دانش تولید شده خود را برای استفاده و کاربرد به بخش های اقتصادی و صنعتی جامعه تزریق می کند.

کارآفرین ساختن دانشگاهها همچنین تأثیر قوی و مثبتی بر توسعه دارد . دانشگاههای کارآفرین موقعیت، قانونگذاری و دسترسی شان به منابع عمومی را افزایش می دهند. در چنین فضایی تبدیل دانش به کالای اقتصادی از سوی مؤسسات دولتی، بخش خصوصی و دانشگاهها ترغیب می شود.

دانشگاه کارآفرین، مشاغل جدید خلق می کنند و مراکز رشد و پارک های فناوری را ایجاد می نماید. از افراد کارآفرین حمایت آموزشی، مالی و بازاریابی به عمل می آورد. در این دانشگاه ها، توسعه صنایع و فناوری های جدید بر پژوهش های دانشگاهی بنا شده است. دانشگاه کارآفرین، علاوه بر آموزش مطالب نظری و تئوری، مهارت های شغلی رشته تحصیلی مورد نظر و مهارت های مدیریتی، بهره گیری از فرصت ها و نوآوری را به دانشجویان آموزش می دهد، واقعیت ها و الزامات بازار کار را به آنان می شناساند، از ایده های جدید و خلاق استقبال می کند و روحیه کارآفرینی را در بین دانشجویان توسعه می دهد. دانش آموختگان دانشگاه های نسل سوم، پس از فارغ التحصیلی منتظر کار نمی مانند یا به جستجوی کار نمی پردازند بلکه کارآفرین خواهند بود.



شکل ۳- ویژگی های دانشگاه کارآفرین [۴]

اگر چه پیوند دانشگاه و بنگاه در راستای فعالیتهای نوآورانه در اصل بطور ضمنی از مدل خطی پیروی می کند [۵]، ولی تحولی در روابط آنها لازم است؛ در اکثر ممالک، ساختارهای واسط و فصل مشترک متعدد و متنوعی طرح و پیاده گردیده اند. در کشورهای پیشرفته صنعتی، مراکز تحقیقاتی صنعت- دانشگاه و مراکز تحقیقات مهندسی با همکاری گروههایی از بنگاهها در بخش تولید، شکل گرفتند که اساتید دانشگاهها و نمایندگان بنگاهها بطور مشترک روی پروژهها تصمیم می گیرند و اغلب پروژهها را بطور مشترک اجراء می کنند. واسط دیگر دفتر ارتباط با صنعت در دانشگاهها است که هدف از ایجاد آن آگاهی و یادگیری از آنچه که محققین در دانشگاهها انجام می دهند و سپس دعوت از بنگاهها برای حضور در دانشگاهها و با مشارکت مشاوران دانشگاه، در فرآیند انتقال و توسعه تکنولوژی نقش ایفا می کند. ایجاد دفتر انتقال تکنولوژی، تحولی دیگر است که تکنولوژیها و اختراعات دارای پتانسیل تجاری شدن و بازارهای مرتبط را شناسایی می کند و آنها را تحت لیسانس به بنگاهها واگذاری می کند. مروری بر تجربه مراکز آموزش عالی در کشورهای مختلف نشان می دهد که این مراکز با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی که در آن قرار گرفته اند به یکی از این راه حل ها پرداخته اند و با دوره های آموزشی با عنوان کارآفرینی راه اندازی کرده اند و یا اقدام به ایجاد یک مرکز رشد در دانشگاه نموده اند. به طور کلی تا سال ۱۹۹۰، چهار دسته اصلی از دوره های آموزشی کارآفرینی شکل گرفته است:

▪ دسته اول: برنامه هایی برای آگاهی و جهت گیری به سوی کارآفرینی

▪ دسته دوم: برنامه های آموزشی برای توسعه شرکتهای تازه تأسیس

▪ دسته سوم: دوره هایی برای رشد و بقای کارآفرینان و شرکتهای کوچک

▪ دسته چهارم: توسعه آموزش کارآفرینی؛ به طوری که استاد و دانشجو با نقشهای نوین خود آشنا گردند [۶].

نظام آموزش عالی کشور ما در یکی دو سال اخیر به موضوع تقویت و توسعه روحیه کارآفرینی در دانشجویان توجه ویژه ای مبذول داشته و اقدام به سرمایه گذاری اولیه در اجرایی کردن این دو راه حل نموده است. ایجاد دوره ها و مراکز کارآفرینی و همچنین صدور مجوز و حمایت نسبت به راه اندازی بیش از ۱۵ مرکز از اقدامات اجرایی است که در این رابطه شکل گرفته است. به منظور بهره گیری بیشتر از این دو حرکت، که به صورت کاملاً مستقل انجام شده است، لازم است کارکرد کل مجموعه های راه اندازی شده در دستور کار مدیران آموزش عالی قرار گیرد.

البته آموزش و پرورش کارآفرینان در نظام آموزش عالی کشور ما با بیش از ۲۰ سال تأخیر نسبت به کشورهای توسعه یافته در اواخر سال ۱۳۷۹ در وزارت علوم تحقیقات و فناوری با عنوان طرح کاراد. مورد توجه قرار گرفت. بر اساس برنامه سوم



توسعه کشور، طرحی تحت عنوان «طرح توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌های کشور» که به اختصار کاراد نام گرفته است تدوین و اجرای آن با نظر سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در ۱۲ دانشگاه کشور شروع و مسئولیت پیگیری، اجرا و امور ستادی آن از سوی وزارت علوم در اواخر سال ۱۳۷۹ به سازمان سنجش آموزش کشور واگذار گردید [۷].

برخی از دلایل ناکامیهای آموزش عالی در راستای کارآفرینی و اشتغال کشور

دانشگاه‌های نسل اول جهان آموزش محور بودند. هدف این دانشگاه‌ها، آموزش و تربیت نیروی انسانی متخصص بود. پس از آن، انقلاب آکادمیک نخست در اواخر قرن ۱۹ در کشور آلمان روی داد که طی آن دانشگاه‌های پژوهش محور به عنوان نسل دوم دانشگاه‌ها معرفی شدند. این دانشگاه‌ها در پژوهش و تولید علم نقش داشتند. سپس، انقلاب آکادمیک دوم در نیمه دوم قرن بیستم پس از جنگ جهانی دوم اتفاق افتاد، که طی آن دانشگاه‌های کارآفرین به عنوان نسل سوم با هدف تربیت نیروهای انسانی کارآفرین و ارتباط با صنعت پا به عرصه ظهور گذاشتند.

نسل	تمرکز	هدف
اول	آموزش محور	آموزش و تربیت نیروی انسانی متخصص
دوم	پژوهش محور	پژوهش و تولید علم
سوم	کارآفرین	تربیت نیروهای انسانی کارآفرین و ارتباط با صنعت

جدول ۱ - سیر تحول دانشگاه‌ها [۸]

یونسکو در چشم انداز آموزش عالی برای قرن ۲۱، دانشگاه‌های نوین یا نسل سوم را این گونه توصیف کرده است: «جایگاهی که در آن مهارت‌های کارآفرینی در آموزش عالی به منظور بهبود قابلیت‌های فارغ‌التحصیلان در جهت تبدیل شدن به کارآفرینان توسعه می‌یابند.»

در کشور ما بیشتر دانشگاه‌ها در نسل اول و تعداد محدودی از آن‌ها در نسل دوم به سر می‌برند و هنوز نسل سوم دانشگاه‌ها در ایران به طور جدی مطرح نشده است. البته از سال ۱۳۸۱ به بعد گام‌هایی در راستای حرکت به سمت دانشگاه‌های نسل سوم برداشته شده است. در فاصله سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۳ ابتدا در ۱۳ دانشگاه، مرکز کارآفرینی ایجاد شد و امروزه تعداد بیشتری از دانشگاه‌های کشور دارای چنین مرکزی می‌باشند. اما تاسیس مراکز کارآفرینی یا دفتر ارتباط با صنعت در دانشگاه‌ها، اولین قدم است و تا رسیدن به دانشگاه‌های نسل سوم هنوز فاصله وجود دارد.

افزایش جمعیت، افزایش شمار دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی، ضعف در تدوین و اجرای درست برنامه‌های توسعه اقتصادی، نبود برنامه‌های فراگیر و همه‌سونگر برای پرورش نیروی انسانی متخصص و مواردی از این دست از مهمترین عواملی هستند که امروزه به مشکلی با عنوان «اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی» تبدیل شده است. بیکاری از پیچیده‌ترین مشکلاتی است که در زمان حاضر وجود دارد و علی‌رغم توجه مسئولان برای ایجاد کار، ایران همواره با انبوهی از دانش‌آموختگان جویای کار روبروست. دانش‌آموختگانی که با هزینه‌ای هنگفت و چندین سال صرف وقت تخصص‌هایی کسب کرده‌اند. از دیگر دلایل ناکامیهای آموزش عالی در راستای کارآفرینی و اشتغال کشور، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:



- ناکارایی نظام آموزش عالی کشور بر تربیت دانشجو و دانش‌آموخته کارآفرین. نظام آموزش عالی ایران به جای اینکه کارآفرین باشد، عملاً کارجو پرور است. به گونه‌ای که با زحمت زیاد افرادی را تربیت می‌کند که فقط می‌توانند شکافهای شغلی بسیار تعریف‌شده و ساختمند را پر کنند.
- عدم بسترسازی مناسب دولت به منظور تربیت و پرورش کارآفرینان، از دبستان آغاز می‌شود و تا دانشگاه ادامه می‌یابد.
- عدم آشنایی و آمادگی آموزش عالی نسبت به «الگوهای کارآفرینی» و ایجاد محیط کارآفرینی برای دانشجویان
- عدم پرورش روحیه کارآفرینی با انعطاف‌پذیری‌های ویژه، خستگی‌ناپذیری در گسترش اندیشه، نهراسیدن از شکست، خطرپذیری، انعطاف‌پذیری، و نوآوری و در دانشجویان از سوی آموزش عالی؛ به عنوان نهاد پرورش دهنده کارآفرینان

دانشگاه جامع علمی-کاربردی

- ساختار آن دارای ماهیت ستادی است و از سال ۱۳۷۳ رسماً فعالیت خود را آغاز نموده است.
- حدوداً ۱۰۰۰۰ نفر پرسنل تحت پوشش این دانشگاه در ستاد مرکزی و واحدهای استانی آن مشغول هستند که از بودجه دولتی حقوق دریافت می‌کنند.
- پیش از ۲۰ هزار نفر کارمند مشغول در مراکز مجری و نزدیک به ۴۰ هزار نفر مدرس، امر تدریس را در این دانشگاه بر عهده دارند که مسائل حقوقی، مالی و رفاهی آنها از بودجه دولتی و دانشگاه تامین نمی‌شود بلکه مراکز مجری (چه دولتی و چه خصوصی) موظف به پرداخت آن هستند.
- نزدیک به ۱۰۰۰ مرکز مجری در ذیل این دانشگاه مسئولیت اجرای آموزش را برای بیش از ۶۰۰ هزار دانشجو را در ۶۷۰ رشته تحصیلی در مقاطع مختلف بر عهده دارند.
- از ۱۰۰۰ مرکز ۴۴۶ مرکز دولتی، ۲۷۵ مرکز عمومی و ۲۷۹ مرکز آن خصوصی است مراکز دولتی و عمومی نیز معمولاً با بودجه مستقل (خودگردان) بدون تحمیل هزینه به دولت اداره می‌شوند.
- در این دانشگاه اصل مدیریت بر منابع است نه داشتن منابع و مدیریت بهره‌برداری از امکانات و تجهیزات بر عهده دانشگاه است (دقیقاً منطبق بر اصل ۴۴)
- ۸۲ درصد از دانشجویان این دانشگاه بومی است.
- بیش از ۳۰۰ هزار نفر از این دانشگاه فارغ‌التحصیل شده‌اند.
- وجود مراکز تصمیم‌گیری در ساختار تشکیلاتی نظیر هیات‌امناء، شورای برنامه‌ریزی، هیات ممیزه و ... خلا قانونی را کاهش داده است.
- حضور ۵۱ ارگان و وزارتخانه و بالغ بر ۲۰۰ نهاد و دستگاه اجرایی در سیاستگذاری و اجرای این رشته‌ها نمایانگر تقسیم کارملی بدون دخالت در ساختار سازمانی و تشکیلاتی این دانشگاه است.
- مدل‌های متنوعی برای آموزش دارد، دوره‌های مقطع دار به روش ترمی، دوره‌های مقطع دار به روش پودمانی، دوره‌های تک پودمان، دوره‌های تک درس به روش‌های اجرای حضوری و غیر حضوری
- آموزش‌های آن متناسب با پیچیدگی مشاغل و سرعت بالای تغییرات تکنولوژیکی در حوزه‌های شغلی است انعطاف‌پذیر است.
- آموزش‌های آن دستگاهی است یعنی متناسب با نیاز سازمان و دستگاه اجرایی تعریف می‌شود.
- دانشجو شهریه پرداخت می‌نماید در عین حال اقبال عمومی (خانواده و جامعه) از این دانشگاه بالا است.
- با توجه به ساختار ونحوه عملکرد سازمانی چابک است.



• و....

دانشگاه فنی و حرفه ای

- دانشکده‌ها و آموزشکده‌های فنی و حرفه ای بیش از ۴۰ سال سابقه دارند ولی در سال ۱۳۹۰ با تصویب مجلس شورای اسلامی این دانشکده‌ها و آموزشکده‌ها از مجموعه وزارت آموزش و پرورش منفک و یا به عنوان دانشکده فنی و حرفه ای به خانواده وزارت علوم و تحقیقات و فناوری پیوست.
- ۱۶۸ دانشکده با ۱۳۷۰ کارگاه در ۵۴ رشته کاردانی پیوسته، ۲۶ رشته کارشناسی ناپیوسته و ۶ رشته کارشناسی پیوسته، مجریان دوره‌های آموزشی این دانشگاه هستند.
- ۲۲۰ هزار دانشجو در مجموعه این دانشگاه مشغول به تحصیل هستند.
- تمامی کارکنان، مربیان و اساتید این ۱۶۸ دانشکده از بودجه دولتی ارتزاق می‌کنند.
- تامین منابع، مواد اولیه، ترمیم و بازسازی و عمران همه مراکز آموزشی این دانشگاه از بودجه دولتی هزینه می‌شود.
- هرچند آموزش‌های این دانشگاه کاربردی است اما دستگاهی نیست بعضی دستگاه‌های اجرایی در تعریف دوره‌های آموزشی و فرآیند اجرا آموزشی دخالت موثری ندارند.
- دانشجو در این دانشگاه شهریه پرداخت نمی‌کند و از بودجه دولتی هزینه می‌شود و اقبال عمومی از این دانشگاه بالا است.
- فقط به روش ترمی دوره‌های آن اجرا می‌شود.
- آموزشکده‌ها و دانشکده‌های آن به لحاظ تجهیزات، امکانات و سرانه فضای آموزشی از استانداردهای خوبی برخوردارند
- سازمانی استاتیک، چاق و غیر چابک است.

سازمان آموزش فنی و حرفه ای

- این سازمان در سال ۱۳۵۹ تاسیس شده است با احتساب حوزه ستادی آن در تهران و ادارات کل استانها و مراکز آموزشی در مجموع بیش از ۲۱ هزار پرسنل که حقوق و مزایای آن از طریق بودجه دولتی تامین می‌گردد را در خدمت دارد.
- نزدیک به ۷۰۰ مرکز آموزشی دارد که با بودجه دولتی اداره می‌شوند.
- نزدیک به ۱۰ هزار نفر از پرسنل ۲۱ هزار نفری آن، مریبی است که تمامی حقوق، مزایا و خدمات رفاهی آن توسط دولت تامین می‌شود.
- با هزینه بخش دولتی تولید و تاسیس می‌شود. همه امکانات و تجهیزات در تملک دولت است. توسعه عمرانی و تجهیزاتی و مرمت و نگهداری آن هزینه‌های زیادی برای دولت فراهم می‌نماید.
- آموزش‌های آن مهارتی است دستگاه‌های اجرایی و بازارکار نقش پررنگی در فرآیند آموزشی ندارند.
- ساختار و ظرفیت‌های نیروی انسانی شاغل در آن توان پاسخگویی به نیازهای مشاغل در سطوح بالا را ندارد.
- عمده آموزش‌های آن ساعتی است.
- تمرکز آموزش‌های آن برای تربیت کارگران ماهر و تکنسین‌ها است.
- مهارت آموز شهریه پرداخت نمی‌کند و از بودجه دولتی هزینه می‌شود.



- علی رغم رایگان بودن آموزش اقبال عمومی از این آموزش ها کم است و مراکز آن به ویژه در شهرستان ها بیشتر شبیه انبار تجهیزات اند.
- این سازمان هم برنامه ریز، هم سیاستگذار و هم مجری است.
- سازمانی استاتیک، چاق و غیرچابک است

چالشهای عمده حاکم بر آموزشهای شغلی در کشور

- عدم هماهنگی برنامه ریزی آموزش های شغل محور
- ساختار حجیم دولتی در برخی بخشها و عدم استفاده از ظرفیت کامل
- عدم هماهنگی با تغییرات تکنولوژی و پیچیدگی مشاغل جدید در برخی از بخشها
- عدم اعتبار بخشی شایسته به مدارک و گواهینامه های آموزش های شغل محور
- عدم انطباق محصولات آموزشی با نیاز بازار کار در برخی بخشها
- عدم وجود بانک اطلاعاتی جامع در خصوص نیاز بازار کار
- عدم ارتباط موثر با حوزه کارفرمایی و سیاستگذاری در طراحی دوره های آموزشی در برخی بخشها
- عدم وجود یک ساختار منسجم و متولی مناسب برای ارزیابی صلاحیت های حرفه ای و چارچوب اعطای مدرک و گواهینامه
- عدم لحاظ تمهیدات لازم جهت اتصال محصولات آموزشی به بازار کار
- عدم کسب اقبال عمومی نسبت به آموزش های شغل محور در برخی بخشها
- پائین بودن کیفیت ارائه آموزش های شغل محور در برخی بخشها
- نظارت ضعیف بر اجرای آموزش های شغل محور
- عدم اعمال تنوع در روشهای آموزشهای شغل محور
- حاکم بودن دید منفعت طلبانه در ارائه آموزشهای شغل محور در برخی از بخشها به جای تأکید بر کیفیت آن
- پایین بودن سقف شهریه آموزشهای شغل محور علی رغم جهت گیری عملیاتی این آموزشها
- عدم حمایت و مشارکت بخش دولتی در حوزه سیاست گذاری، تقویت نهادهای تولی گری، الزامات اجرایی مناسب برای جذب و نگهداشت محصولات آموزشی و کمک به ارتقای تجهیزات و امکانات آموزشی مراکز مجری

جمع بندی

افزایش چشمگیر بیکاری بویژه در میان گروههای تحصیلکرده زنگ خطر را برای مقامات کشور به صدا در می آورد و از این رو ضروری است که برای حل این مشکل برنامه ریزی دقیق، فراگیر و درازمدت صورت گیرد. «کارآفرینی» این پتانسیل را دارد که به عنوان اقدامی پایدار در جهت اشتغال زایی لازم در اولویت قرار گیرد. در این راستا، دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کشور به علت داشتن اعضای هیأت علمی ثابت و امکانات پژوهشی پیشرفته می توانند در زمینه تولید مواد، دستگاهها و قطعات گوناگون فعالیت کنند، با ارائه طرحها و مشاوره های لازم به سازمانها و شرکتهای دولتی و غیر دولتی، زمینه ایجاد شرکتهای تولیدی سودآور را فراهم آورند، دانشجویان را با گذراندن دوره های آموزشی ویژه برای هماهنگی با نیازهای در حال تحول جامعه آماده سازند و از این راه زمینه های کارآفرینی را در جامعه فراهم کنند.



دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی برای رسیدن به این هدف باید در برنامه‌های آموزشی و درسی خود، آموزشهای کارآفرینی را مورد توجه قرار داده و گامهای اساسی در جهت پشتیبانی از اقدامات و فعالیتهای کارآفرینی بردارند. این گامها می‌تواند دربرگیرنده موارد زیر باشد:

- ۱- دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی باید تلاش کنند تا دانشجویان را با دانش و ثنویهای اقتصادی و کارآفرین آشنا سازند، تا آنها را در موقعیت مناسبی برای شناخت عوامل اقتصادی و غیراقتصادی مؤثر در رشد و توسعه کشور قرار دهند و دانشجویان بتوانند به بینش و وسعت نظر کافی برای درک پدیده‌های توسعه علمی و اقتصادی دست یابند. باید تلاش شود تا در دانشجویان انگیزه و روحیه کارآفرینی ایجاد شود. افزون بر اینها سعی شود دانشجویان را خودباور و شجاع، نوآور و خلاق، مسئولیت‌پذیر و هدایت‌گر، استقلال‌طلب و آینده‌نگر و توانمند در رویارویی با ابهام و خطرپذیر و متکی به نفس بارآورند.
- ۲- ایجاد یا گسترش رشته‌ها، واحدهای درسی و مراکز کارآفرینی در دانشگاهها و سازماندهی این مراکز در قالب شبکه‌های کارآفرینی.
- ۳- ایجاد یا گسترش مراکز کارآفرینی در دانشگاهها و سازماندهی آنها.
- ۴- راهنمایی علمی، بسترسازی، حمایت‌های مشاوره‌ای و مالی لازم از طرحهای کارآفرینانه از دانشجویان و استادان.
- ۵- پشتیبانی دولت از دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کارآفرین، به شکل سیاستگذاری، ایجاد انگیزه، برنامه‌ریزی، تأمین امنیت سیاسی و اقتصادی و تصویب قانون. دولت همچنین باید با تسهیل روابط علمی و صنعتی مربوط با کارآفرینی در حوزه تکنولوژیهای گوناگون، جریان نوآوری در سطح کشور را در قالب نظام ملی نوآوری انسجام بخشد.
- ۶- ایجاد بانکهای اطلاعاتی. چرا که فراهم ساختن اطلاعات لازم برای آگاهی استادان و دانشجویان از نیازها و مسایل کاری رشته تخصصی‌شان در رشد و ایجاد روحیه کارآفرینی آنها بسیار مؤثر است. چنین بانکهایی می‌توانند اطلاعات لازم را برای آشنایی با اقدامات و فعالیتهای کارآفرینانه در اختیار دانشجویان قرار دهند.

اهداف و چشم انداز آموزش های شغلی با اتخاذ رویکرد وضع مطلوب

- افزایش سهم آموزش های شغلی از کل آموزش از حدوداً ۲۰ درصد کنونی به حداقل ۶۰ درصد
- افزایش سطح کیفی آموزش های شغلی به طوری که دقیقاً منطبق بر نیاز بخش های مختلف اقتصادی باشد.
- افزایش کمی آموزش های شغلی به طوری که نیاز کلیه بخش های اقتصادی را پوشش دهد.
- افزایش اعتبار و جایگاه آموزش های شغلی در سطح ملی در نزد کارفرمایان و متقاضیان
- انعطاف پذیری آموزش های شغلی به طوری که توان پاسخگویی و انطباق سریع با تحولات تکنولوژیکی و همچنین توان انطباق با شرایط متقاضیان و نیاز کارفرمایان را داشته باشد.
- هماهنگی ملی در تدوین و اجرای دوره های آموزش شغلی در سطوح مختلف
- توسعه نیروی انسانی بومی در مناطق کم برخوردار در راستای توسعه پایدار از طریق افزایش پوشش آموزشهای شغلی در سطوح مختلف در این مناطق
- افزایش تمایل بخش خصوصی به منظور سرمایه گذاری در بخش آموزش های شغلی
- برخوردار بودن از بازار کار شایستگی محور
- استقرار سیستمی به منظور تدوین استاندارد صلاحیت ها و شایستگی های شغلی
- استقرار نظام صلاحیت حرفه ای، آیین نامه نظام صلاحیت حرفه ای در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۳ به تصویب هیات وزیران رسیده است که باید عملیاتی شود.



- استقرار سیستمی به منظور تدوین دوره های آموزشی مورد نیاز متناسب با صلاحیت ها و شایستگی های شغلی به کمک بخش خصوصی و صاحبان صنایع و مشاغل
- استقرار نظام صلاحیت حرفه ای، آیین نامه نظام صلاحیت حرفه ای در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۳ به تصویب هیات وزیران رسیده است که باید عملیاتی شود.
- تدوین استاندارد اجرای آموزش های شغلی
- استقرار سیستمی به منظور پایش عملکرد مجریان آموزش های شغلی
- ترویج فرهنگ آموزش های شغلی در جامعه

اقدامات عملیاتی مورد نیاز و برنامه کاری پیشنهادی برای سازمان فنی و حرفه ای جهت نیل به وضع مطلوب

- تدوین ضوابط و مقررات جدید برای خروج این سازمان از حالت دولتی و تبدیل به سازمانی پویا و چابک با بهره گیری از بخش خصوصی با توجه به حجم نیروی انسانی و منابع دولتی و رعایت اصل ۴۴
- اجرای دقیق این طرح این سازمان را از حالت مانابه پویا تبدیل می کند
- تدوین ماموریت جدید برای سازمان بانگاه جمع آوری اطلاعات بازار کار و نیازسنجی آموزشی (در سایر کشورها مسئولیت جمع آوری و پردازش اطلاعات بازار کار با توجه به جهت گیری های اشتغال، تکنولوژی، جمعیتی و اجتماعی و... به عهده وزارت کار است)
- تدوین ضوابط، تشکیلات و نیروی انسانی و حتی عنوان جدید برای این سازمان از قبیل اجرای نظام صلاحیت حرفه ای با نگاه تولی گری، تدوین استانداردهای جدید آموزشی و پرهیز از اجرای دوره های آموزشی
- تمرکز این سازمان به آموزش های زیر دیپلم تا حد تکنسین با توجه به ماهیت حوزه های شغلی و ظرفیت این سازمان
- پرهیز از اجرای آموزش های رسمی و مقطع دار
- جذب و تقویت نیروی انسانی در این سازمان با نگاه و نگرش جدید
- همکاری با سایر مولفه های آموزش های شغلی در استقرار نظام های جمع آوری اطلاعات بازار کار و نظام صلاحیت حرفه ای
- ایجاد مرکز تست و آزمون مهارت
- استقرار پایش عملکرد مجریان
- استقرار نظام ترویج فرهنگ آموزش های شغلی و ارتقای منزلت شأن همه عوامل فرآیند آموزشی
- ساماندهی و رتبه بندی مراکز مجری خصوصی
- حذف کامل اجرای آموزش توسط دوایر دولتی و سازماندهی اجرای هرگونه آموزش از بخش دولتی به بخش خصوصی و الزام سازمان ها و دستگاه های اجرایی به تدوین نیازها و استانداردهای آموزشی
- تدوین آیین نامه ممنوعیت اجرای آموزش در بخش های دولتی
- تدوین آیین نامه سیاست گذاری و تولی گری آموزش در بخش های دولتی



- [۱] دانشیار، عضو هیئت علمی و مدیر گروه تحصیلات تکمیلی علوم ارتباطات واحد علوم و تحقیقات تهران - دانشگاه آزاد اسلامی؛ مدیر کل مرکز مطالعات و برنامه ریزی رسانه‌ها - وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی -؛ مدیر واحد ۴۱ دانشگاه جامع علمی - کاربردی فرهنگ و هنر و مدیر پژوهش‌های رسانه ای مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام [۲] [حیدری، مهدی؛ نقش آموزش عالی در اشتغال جوانان، ۲۹ بهمن ماه ۱۳۸۷: <http://nasle-farda.ir/cms4/editorial.asp?id=1867004823>]
- [۳] هاشمی، حمید؛ سرمایه‌های جاودان، ویژه‌نامه همایش کارآفرینی و فناوریهای پیشرفته، تهران: مؤسسه توسعه دانش و پژوهش ایران، ۱۳۸۰، ص ۱۲۶.
- [۴] فیض آبادی، مصطفی جهانگیر؛ دانشگاه کارآفرین؛ نیازی برای عبور از بحران اشتغال، پایگاه تحلیلی رصد، ۲۵ مرداد ماه ۱۳۹۲: <http://www.rasad.org>
- [۵] سوری، حجت؛ کارآفرینی و اشتغال در نظام آموزش عالی، خرداد ۱۳۸۷: http://www.aftabir.com/articles/view/economy_marketing_business/job/c2c1212646047_entrepreneur_p1.php
- [۶] سازمان بین‌المللی کار، ۱۹۹۲، ص ۴.
- [۷] [مقیم، فضل‌ا.؛ «کارآفرینی، سنجش و پژوهش»، گاهنامه مرکز مطالعات سازمان سنجش آموزش کشور، شماره سوم، بهار ۱۳۸۱، ص ۷.
- [۸] فیض آبادی، مصطفی جهانگیر؛ دانشگاه کارآفرین؛ نیازی برای عبور از بحران اشتغال، پایگاه تحلیلی رصد، ۲۵ مرداد ماه ۱۳۹۲: <http://www.rasad.org>
- [۹] مقدمه آیین‌نامه طرح توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌های کشور (کاراد)، شماره ۲۵۱۹/۱۱ مورخ ۲۷/۳/۱۳۸۱، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- [۱۰] عسگری، ناصر، «توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌ها»، سنجش و پژوهش، گاهنامه مرکز مطالعات سازمان سنجش آموزش کشور، شماره سوم، بهار ۱۳۸۱، ص ۱۰.